

کارگر  
کمونیست

ارتان اتحاد مبارزان کمونیست



۰۰ ریال

نوروزین ۱۳۶۶

## پیام به کارگران به مناسبت فرارسیدن نوروز

رفقای کارگر و مبارزان مبارزان ایران!

پانزدهمین سال مبارزه ما در آستانه سال جدید بیشترین تنهات هارا  
تجدید شما کارگران مبارزان انقلاب ایران یکم که محکم  
و خستگی ناپذیر و همچنان به نبرد حاسمان علیه  
یکی از سفالت ترین و خونخوارترین حکومت های  
سرمایه در جهان ادامه دهید و  
گسترش نبرد هایمان را تسلیح

بقیه در صفحه ۲۵

قطعنامه درباره:  
وظایف کمونیستها  
در مبارزه علیه  
قانون کار اسلامی

در صفحه ۲۸

سرمقاله  
مبارزه بر علیه  
قانون کار اسلامی را  
به مبارزه ای متشکل  
آگاهانه و طبقاتی  
تبدیل کنیم!

مقاومت و مبارزه گسترده ای در مقابل  
با تشبیه قانون کار مروج دولت جمهوری اسلامی  
در صورتی بود که طبقه کارگر شروع کرده است  
این مبارزه دارای زمینه ها و شرایط و بنیان  
است که در صورت حرکت فعالانه آگاهانه و  
برنامه کارگران کمونیست و مبارزان و همسر  
در آن میتوان دید یک مبارزه متشکل آگاهانه  
و طبقاتی با دستاورد های چشم گیری  
کارگری تبدیل شود.

بقیه در صفحه ۲

تبلیخ - پروسه  
شیوه پو پوئیستی تبلیخ

در صفحه ۶

کمونیستها، مجاهدین و مذهب

در صفحه ۱۱

پیشی بسوی ایچان حزب کمونیست ایران!



ادایه سر مقاله شماره ۱۰۰

حسبیت اصلی و نقطه توت این مبارزه که زمین مساوی و مساوی است و تبدیل آن به مبارزه ای مشکله آگاهانه و طبقاتی را در خود دارد بوده ای و همگانی بودن آن و حاکمیت همگانی و برابری خواست و ساله کارگران است. قانون کار ساله ای است که به سرنویست زندگی و مبارزه تمامی کارگران ایران از صنعت نفت و ذوب آهن گرفته تا ایران ناسیونال و راه آهن و از بهارس الکتریک و دهانیا تا گرفتگی تا فلان کوره بهرمان و بهمان کارگاه کوچک متوسط است - قانون کار را تعیین میکند که کل طبقه سرمایه دار و عوامل سفحور و امثال صفت این طبقه کلیه آنها تیکه در تولید در رتبه و امتیاز اجتماعی همچگونه روح و زمینی را متعلق بنده اند. قانوناً حق دارند که همسازان از حاصل دسترنج کل طبقه کارگر و زمینکنی ایران را بجزند. قانون کار را تعیین میکند که طبقه سرمایه دار و عامل سفحور و حکومت نمایند. آن قانوناً حق دارند که چه میزان گرسنگی و فقر بی سکنی بی بهاداری و سر و سبب از حقوق صنفی و سیاسی به کل طبقه کارگر و زمینکنی و خا توده های آنها تحمیل کنند و سالانه قانون کار را به تعیین کنند که توده های کارگر و زمینکنی و خا توده های آنها تا چه حد میتوانند از حاصل دسترنج خود سهمندگرددند تا چه حد میتوانند از امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی برخوردار گردند و قانوناً از حق تجمع و تشکیل و همفکری و داشتن آزادیهای سیاسی و اجتماعی برخوردار باشند.

این تیکه ساله ای خاص فلان فابریک و فلان شهر یا فلان روستا صنعت نیست که ارتباطی با سرنویست زندگی و مبارزه تمامی توده ها و طبقه کارگر کسی پیچیده و نا آهنگار است. این ساله

بلا از اعطای کل طبقه سرمایه دار و حکومت و تمامی سازمانها و نهادهای ریز و درخت آن از به کسوف و کل توده های کارگر و زمینکنی زیر چشم و استعمار از جانب نهنگ است. درست بهمین علت است که قانون اسلامی کار بموجب دولت اسلامی سرمایه که به واقعاً نه ترین شکلی به دفاع از استثمار و حقیقتاً نه به محدودتر سرمایه از کارگران و نفسی جزئی ترین حقوق صنفی و سیاسی طبقه کارگر بر داخته و با آنکه - و استناد به قوانین لفظ و قرآن و شرح «طیبه» سعی در فریب دادن و به تسلیم کشاندن کارگران تریا بر سرمایه داری دارد. چنین خصم و ظلمت و انزجار و اعتراض و بیعی را بر میسان توده های کارگر موجب گردیده است - بنا بر این مبارزه توده های کارگر بر علیه تشبیب قانون کار اسلامی هم به علت ایجاد وسیع و همگانی که وجود گرفته است و هم با توجه به علت سرمایه داری و همگانی این مسئله و خواست کارگران در این مبارزه می توانند و نباید که به مبارزه ای مشکلی آگاهانه و طبقاً نمی در ابعاد سرمایه داری تبدیل گردد. کارگر کسبیت، مبارزه و همساز می توانند و نباید که با استفاده از زمینه های مساعد موجود و ضمن مبارزه برای رفع و مفاصله با نقطه ضعفها و عقب ماندگیهای این جنبش سرانجام این مبارزه را به نفع طبقه کارگر خاتمه دهند. بنحوی که از دل این مبارزه توده کارگری آگاهتره مشکلی، تسر و آگاهانه تر برای به عبور دنیا ریزه بر علیه سرمایه دار و قوا و زمین چله های رنگارنگ و پند کارگری در هر دو آید - به این منظور کارگران کسبیت و همساز و با بدفقا صفت و عقب ماندگیهای این مبارزه و مقاومت توده ای کارگران را بجا نهند و سرمایه داری آگاهانه ما برنا می بیند که برای رانسج و مفاصله با آنها را شروع کنند.





نقد و نظر بر عقوبت مال دنگبها ی این موج مبارزه  
و مقایسه آن با عقوبت

ببینیم که نقد و نظر بر عقوبت مال دنگبها ی این مبارزه در کجاست و چگونه رژیم سرمایه داری اسلامی و سازمانها و نهادهای گوناگون میخوانند با استفاده از آنها این موج مبارزه را در هم بشکنند؟

لغات عامه و اصطلاحات واحد مشخص :

اولین و اساسی ترین نقد ضعف و عقوبت - مال دنگی این مقایسه و مبارزه بوده ای مشخص نبودن خواسته ها و مطالبات است که این توده وسیع برای حصول آنهاست به اعتراض و مبارزه زنده اند و معارضه کارگران در این نکته که قانون کار موجب دولت اسلامی قانونی ضد کارگری و منافع سرمایه داران و غیر قابل قبول است منطبق القولند. حتی انجمنهای سپاه اسلامی و عوالمای زرد و ضد کارگری هم برای عقب تماندن از قافله و پس از آنکه مطمئن شده اند که توده کلرگر زهیرا این قانون آنها را ضد کارگری نمهروند آنرا زهر شوال برده اند. اما همین توده وسیع و منطبق القول ، سرور دارند که به جای این قانون کار اسلامی و ضد کارگری چه میخواهند و چگونه اعتراک نظر و توافق نکرده اند. هیچگونه طرح و برنامه واحد متحدانه ای را در مقابل آنچه همگی غیر قابل قبول میدانند مطرح و عقوبت نکرده اند. این توده وسیع حول عوارض و مطالبات و خواسته های روشن مشخص و متحدانه ای گردیده اند و تمام نقای و از هم پاشیدگی فردای این اتحاد و اعتراک نظر امروزی نیست در همینجاست امروز تمام جاسوسان و عمال بورژوازی تمامی

تفکرها و نهادهای ضد کارگری و حتی دلقر لقا - اعلام و بیعت امام معتمد و نهادهای آیت الله و سجت - السلام و آخوند بزرگ و درشت دیگره که تا به روز هر نوع مخالفت با قانون اسلامی کار را معالفت با قرآن و اسلام و شیطانه کهنوستها میدانند پس چگونه میخوانند عوارضها را به یکی پس از دیگری حتی دعالت خود را در تدریس این قانون منکر شده اند و مترسداً نند تا با استفاده از این نقطه ضعف مبارزه کارگران همان قانون اسلامی و ضد کارگری را درنگ و روشن زده و در زهری جدیدی بهمین اندوخت عشوان قانون کار دیگری به کارگران تبدیل کنند . توده کارگر اگر در مقابل قانون کار اسلامی منافع سرمایه داران و خواسته ها و مطالبات و عوارضهای مشخص و روشن کارگری را به پرچم مبارزه و بیعت مبنای اتفای نظر و اتحاد و همکاری منطبق خود تبدیل نکرده باشد اگر برای خواسته های روشن مشخص و کارگری مبارزه نکنند و اگر معیار کاملاً مشخصی در دست نداشته باشند که بتوانند در کار اسلامی و غیر اسلامی بورژوازی و هر تغییر در توانین پیشنها دی حکومت بورژوازی و سایر جریانات غیر کارگری را در مقابل با آن بسنجند و درجه دوری یا نزدیکی آنرا به منافع طبقه خود تعیین نموده ، چنین توده ای کارگری بر احمسی با تغییر و تحول در سیاستها ی حکومت بورژوازی سر درگم و گمب میشود ، بر احمسی همانگی ویدها و چگی منطبق خود را از دست داده و نشتت و پراکنندگی منطبق را در بر میگیرد .

حکومت اسلامی سرمایه و تمام نهادهای سازمانها و عوارضها کارگری هم در مقابل همین را میخواهند و منطبق در چنین لحظه ای است تا از فرست

**چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است**



استفاده کرده بود غیرمتحد غیرمتحد و سرورمگم کارگر را به عقب راند و به قانون ضد کارگر خود رسمیت و مشروعیت قانونی بخشید.

این نژاد ضعف مبارزات کارگران در مقطع کنونی میتواند دوباره بیدار از زمین برود و این توله رژیم و تمامی عمال سرمایه داری بر علیه این مبارزات میتواند دوباره بیدار توسط کارگران کمونیست و به مشروعیتی گردد.

امروز طبقه کارگر ایران دارای مطالبات، خواستهها و معارضه های مشخص و روشن و مستفصل طبقه ای است که در برنا به طبقه کارگر ایران برنا به حزب کمونیست و بیان شده اند. بعضی حداقل برنا به حزب کمونیست خواستهها مطالبات و معارضه های کارگر ایران را به روشنی تر

و واضح تر بیان و معنی تر بیان ممکن و در تمام این مطالبات و خواستههای سایر طبقه ها و برهمناسات غیر کارگری بدون و بیان کرده است. امروز طبقه کارگر ایران برحسب دارد که مبارزه تحت لوای آن تنها شرط دستیابی به اهداف ما را میسر و آسان نماید و برحق بوده های کارگر است تنها مبارزه تحت این پرچم میتواند تضمین کند که مبارزات و جان نثاری آنها بوده های کارگر بسیار دیگر کرده تردید نیست با بسی سایر طبقه ها و برهمناسات غیر کارگری به اهداف و مطالبات ضد کارگری تبدیل نشود.

مبارزه تحت پرچم این مطالبات و خواستهها و معارضه های کارگری تنها شرط ایجاد هدف و تحقق وحدت صفوف بوده های کارگر در مقابل حکومت سرمایه داران و سازمانهای گوناگون و توله های رنگارنگ و ضد کارگری آنها میباشد.

مبارزه تحت لوای این مطالبات و خواستهها و معارضه ها و جان نثاری به آنها تنها شرط

نزدیکی واقعی مبارزه واقعی در راه آرمانهای کارگران و در نتیجه اساسی ترین معارضه ها است دوستان و معارضه گان واقعی کارگران از هر چه خوردگان و خواست سرمایه داران و حکومت آنها در صفوف کارگران میباشد. کارگران کمونیست و به پیشرو باید این مطالبات و خواستهها را در میان توده های کارگر در مقابل و معارضه با مطالبات و خواستههای سایر طبقه ها و برهمناسات و معارضه قانون کار اسلامی رژیم سرمایه داری حاکم مطرح و معارضه و تبلیغ کنند اهمیت مبارزه حول آنها را به توده های کارگر توضیح دهند و آنرا به معنی و تضمین دوستان و دشمنان طبقه کارگر در صفوف کارگران تبدیل کنند. باید معارضه های واحد سراسری و کارگری ۴۰ ساعت کار در هفته با افزایش دستمزدها تقابلی صورت گیرد به معنی مبارزه با معنی مجمع عمومی در استخراج و آزادی زندانیان سیاسی و آزادی اعتصاب و راکه در عین آنکه خواستههای توده های ملیونیتی طبقه کارگر را بیان میکنند مبتنی بر مواد کلیدی مطالبات کارگری برنا به حزب کمونیست هستند و این معارضه های این جنبه ها گسترده و سراسری کارگران تبدیل نمود.

تنها در این صورت است که میتوان نقطه ضعف اساسی مبارزات کارگران بر علیه قانون کار اسلامی را از زمین برده و نقطه رژیم برای به انحراف گشتادن و درهم شکستن این مبارزه را خنثی کرد و آنرا به سمت مبارزه های سراسری آگاهانه و طبقه ای سوق داد.

فقدان تدابیر عملی در فعال توده ای و حزبی در میان کارگران:

دو معنی نقطه ضعف و عقب ماندگی این مبارزه نبود تدابیر عملی فعال توده ای و حزبی کارگری در میان کارگران در مقطع کنونی است



نمودن تشکلهای توده‌های کارگران را از همه‌اندگی حقوق خودناز دست زدن به افدا مساوات و کنشهای همزمان و سراسری و از ارتباط نزدیک بخشهای گوناگون طبقه کارگر با هم دیگر و ملاح از اخبار و روابط روزانه هم دیگر محروم نمیکند. در حالی که سرمایه‌داران و حکومت آنها با رای ده‌ها سازمان واداره و حزب و نهادهای سراسری متمرکز و مجهز هستند و در حالیکه تمامی این ارگانها فعالیتها و توتولها را طبقه سرمایه‌داران در مقابل توده‌های کارگر مانند ک رهبری و اجرا میکنند، توده‌های کارگر برای بهبود مبارزات انقلابی به روش و عادلانه خود برای بستن تافتن به مطالبات و خواسته‌های کارگری خود احتیاج حیاتی و تعیین کننده‌ای به تشکلهای گوناگون کارگری بسند تشکلهای توده‌ای و حزبی تشکلهای علمی و فنی دارند. کارگران کمونیست و همه‌سردو مبارزین کارگری برای مقابله با این نقلیه منف و تقویت و هماهنگ کردن مرجع بیشتر مبارزه توده‌های کارگر بر علیه قانون کار اسلامی در مقدمه فعلی بامدی تشکیل کمیته‌ها و محلی انقلابی بپردازند. این کمیته‌ها با یک طرفه ارتباط مستقیم خود را با کمیته‌های مشابه برقرار خواهد کند و از جانب دیگر در همه وجوه و امکانات مبارزات جاری توده‌های کارگر و تشکلهای و جمیع ها و گروه آنهاست که به سهانه‌های گوناگون در رابطه با قانون کار برگزاری شود شرکت کنند و به طسرح و

تبدیل مطالبات خواسته‌ها و شعارهای کارگری میسر بپردازند طبقه کارگران ایران بپردازند. این کمیته‌ها با بسیا رزات کارگران را در واحدهای گوناگون رهبری و هماهنگ کننده اخبار و مبارزات و اعتراضات کارگری را از بخشهای گوناگون بهبود برانگیزند و خود توده‌های کارگر تحت رهبری خود را برای پیشبرد مبارزه بر علیه قانون اسلامی کار در شرایط و اشکال گوناگون آماده کنند. و از طریق مختلف از قبیل استفاده از اجتماع و گروه آنها گوناگونی که تحت فشار کارگران بر گزار می‌گردند طعنا و توده‌ای به رزیم برای انعکاس اخبار مبارزات با اعتراضات و تقاضاهای توده‌های کارگر در سایر عمارات و رسانه‌های گروهی با اعمال فشار توده‌ای به رژیم جهت برگزاری مناظره‌های تلویزیونی بین نمایندگان کارگران که مخالف قانون کار اسلامی هستند و نمایندگان توده‌ای این قانون را قاطعانه و مطابق مطالبات و تقاضای ما هستند مطالبات و شعارهای کارگران و افشای ماهیت ضد کارگری سرمایه‌داران و قانون کار اسلامی بپردازند.

رفقنای کارگر!

رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی که در قانون کار مصوب دولت اسلامی، حتی حاضر نشده است که اسم کارگر و طبقه کارگر را بکار برده و به رسمیت شناسد و برای مدعی کردن این طبقه از لغت کله‌بازها استفاده کرده است. رژیمی که کوچکترین حقوق سیاسی و اجتماعی را برای مخالفین و دشمنان نظام استعمارگر سرمایه‌داری - یعنی برای ما کارگران و زندگان - بر سهانه نمی‌گذارد!

رژیمی که مدافعه از نظام پوسیده و ضد بشری سرمایه‌داری را وظیفه عرصی خود و تمامی عوامل و حاسران و کارگزاران فراراد و است

را بدست  
کارگران  
برسانید

کارگر کمونیست

روزنامه‌های ایران



## تبلیغ - پرونده

سیوه برپیتن تبیح

امروز نظرات بر نامه ای سیاسی و تاریخی پوپولیتی در اساسی ترسیدن اصول و مبانی آن نقد و بی اعتباری عده و از این نقطه نظر به بر نامه " حزب کمیونیت پیروزی با زنگت تا پذیر مارکسیسم انقلابی هر سویا لیسم خرده بورژوازی را تثبیت کرده است. اکنون دیگر نظراتی چون نیمه فصول - نیمه مستعمره بودن نظام اقتصادی ایران، دستکرات و مترقی بودن قسری از بورژوازی، عده بودن تضاد طبقه امپریالیسم و وفاداری به اصل مقدس حفظ وحدت خلق در برابر امپریالیسم فارتگره محدود و معیود کردن آزادیهای سیاسی و اجتماعی به جبهه " خلق و... از میان موقوف جنبش کمیونیتی رعایت بریتت است و هیچ جریان سیاسی فعلی را نمیتوان یافت که بر عود نام کمیونیت و طرفدار طبقه " کارگر بگنجد و در همین حال از جنبش نظراتی دفاع کند.

از لحاظ عملی نیز اکنون بین دست و پویان براتیک سازمانهای پوپولیتیک واقعیت است انکارناپذیر است و براتیک چند ساله اخیر این سازمانها عواقب زیانبار و مغرب سبک کار خرده بورژوازی را به همان فریاد چنان ماقرار میدهند. بر این سالها توده های کارگر آنها هزار اعلامیه و نعره " تبلیغی از سازمانهایی که خود را کمیونیت و طرفدار طبقه کارگر مینامند، دریافت نموده اند و در آنها تظاهرات و میتینگ و جلسات بحث و سخنرانی آنها حرکت کرده و فروع سیاسی از کارگران پیرو با انقلابیون است که نیست نام گرفته اند با آنها مافیل مائوئیستی و

و خرمنخ مبارزه علیه این نظام منحوس و حکومت مدافع آنرا محرام" و جزو گناهان " کبیره م اعلام کرده است و بله چنین رژیم تاپای جان از این سیستم منحوس و تکلیت با روقوانین خدکارگری امری متعلقه خواهد کرد. امروز با بی بیگاری و تهرنگ و تلاش برای به پیراهه کشاندن ما و فردا و کس این ترسفته های با کار تلاش خدگرا نا پذیر و آگهاده مان نقش بر آب عذابا سرکوب و منسلب مستقیم خواهد کرد و بعدا مبارزه ما بر علیه قانون کار رشد کارگری را عقب ندانده و به شرایط مطلوب برای سرمایه و سرمایه پدیداران رسمیت میدهد.

اما برای ما هم مبارزه برای زندگی بهتره مبارزه برای تحمل خواستهای مردم و انقلابی و برحق نموده حکومت سرمایه داران و عیاره برای رسمیت بخشیدن به حقوق منظر سیاسی و تبلیغ و انگارنا پذیر نموده و تلاش برای دستیابی به شرایطی که بتوانیم بدون خود را متحد و متحد کل تر کرده و مبارزه خود را برای نابودی سرمایه داری و حکومتی مدافع آن به پیش ببریم تا مسری تعطیل بردار و قابل چشم پوشی نیست. آنچه که در این مبارزه واقعی و تعهدی تا پذیر مسلم و قطعی است این است که مبارزه ما زمانی ستواننده پیش رود و ستواندهای بالعمیت و با دومی داشته باشد که اول از هر چه مدالعات خواهسته ها و شمارهای واقعه کارگری و برای نتبایی به اهداف مشخص و روشن و کارگری به پیش برده شود و تا آنها این مبارزه بلحوی متعادل و سازمان یافته و تحت رهبری آگاهترین و سازمان ترین و انقلابی ترین کارگران پیرو و کمیونیت رهبری و هدایت نمود. و این مننایی جز متعادل شدن در حزب کمیونیت طبقه کارگر ایران و مبارزه تحت پرچم بر نامه مستقل پرولتاریائی آن ندارد.



پوپولستی را مورد تأیید قرار داد و در همین حال آنرا به عوامل و دلایل دیگری از جمله سخت باسی گرفته تا ارتداد و عیانیت رهبران پوپولستی و غیره منسوب نمود.

این سخت جانی سبک کار پوپولستی از کجا ناشی میشود؟ برای یافتن پاسخ باید به این نکته توجه کنیم که روزهونوسم پوپولستی همواره مدعی مبارزه در راه سوسیالیسم و تبلیغ و سازماندهی سوسیالیستی طبقه کارگر بوده است. و اصولاً اگر چنین ادعائی نداشت و دیگر نه یک جریان انحرافی در درون مارکسیسم بلکه صرفاً یک گرایش صریح و سرمان خسرده پوزروائی بود. اما در همین حال و به خصوص مرضیه کلیه روزهونوسمها همواره این هنر را نیز داشته است که نقش عملی صریح و آشکار آنچه ادعا میکند را تحت عنوان "تحقیق متحصن از شرایط مدعی" و "تطبیق علای اصول مارکسیسم با واقعیات موجود" و غیره توجیه و تشریح نماید.

تا آنجا که به مسئله سبک کار روزهوئی عملی مربوط میشود، گره اصلی در اینجاست که این توجیهات و نظریه پردازیهای خود پوزروائی به یک سنت فکری و سیستم نظری رایج و دیرپا در جنبش چپ ایران تبدیل شده است. سیستم نظری که گرچه در انقلاب و متناسب با برنامه و سیاستهای پوپولستی است اما نمیتواند مستقل از آن و همچنان اعتبار خود را در اذهان بسیاری از انقلابیون کمونیستی که از کشورهای پوپولستی گسسته اند حفظ کند و بنیانه ماضی بر سر راه برانگیزد کمونیستی قرار بگیرد.

آموزشی تشکیل داده اند. سائل روزمره شان را با آنها در میان گذاشته و به رهنمودهای آنان عمل کرده اند. به سازمانهای این انقلابیون پیوسته اند و در همه های فابریکی وابسته به آنها متفکک شده اند و ... اما برآستی حاصله تمامی این فعالیتها چه بوده است؟

ما هنوز شاهد آنیم که توده های کارگر و زحمتکشان همچنان کمونیسم را به روایت پوزروائی می شناسند و حتی بسیاری از کارگران به خصوص پس از چهار سال تجربه عمیق ترین تضامات طبقاتی در ایران و هنوز تصویر و ترک روحی از اهداف و آرمانهای مستقل طبقاتی خود ندارند و برآکنده و تحت همچنان در میان صفوف کارگران بیداد میکنند و طبقه کارگر حتی هنوز از تکلیفهای مستقل منافی خود محروم است.

با اینهمه و علیرغم تمامی این واقعیات نظرات پوپولستی در باره روزهوئی فعالیت عملی و تشکیلاتی، یعنی آن نظراتی که انقلابیگری خرد و پوزروائی را تحت عنوان مبارزه در راه رهائی طبقه کارگر سوسیالیسم توجیه و تشریح نماید، هنوز در میان صفوف جنبش مابعد حیات خود ادامه میدهد و بر اعتبار نظری و روشنگری عملی پوپولسم نتوانسته است بطور قطعی و مدیجابانه این نظرات را ریشه کن کند. هنوز میتوان برنامه حزب کمونیست را پذیرفت اما همچنان از عهوه فعالیت کمونیستی استنباطی خرد و پوزروائی ناست و لذا به برنامه عمل نکرده و حتی میتوان شرونی و بی حاصلی برانگیزد سازمانهای

بشکل حوزه های حزبی تشکیل شوید و وظایف آنها را از هم اکنون بعهده بگیرید.



تحلیل مشخص از شرایط مشخص ما را موظف می‌کند که در هر مقطع و وضعیت ذهنی توده‌ها را به حساب آوریم و مواضع و نظراتشان را با این وضعیت تطبیق کنیم. و این پرسش است که وضعیت توده‌ها را بقدری برای پذیرش "حزب آخبر" ما آماده خواهد کرد. پیرو لیست‌ها پیروی از این عصبه را بویژه ضروری مائیلی نظیر مذهب و با اخلاقیاتی که توده‌ها نسبت به آن حساسیت و تعصب دارند لازم و ضروری میدانند.

بطور خلاصه تبلیغ - پرسش و نظریه است که اولاً اصول عقاید، اهداف و شعارها و مواضع پرولتاری را در برخورد به هر مسئله "محسنه" بندر هیچ و گام به گام طرح و تبلیغ می‌کنند و تا نیاید در طی این پرسش و با آمیزش مضمون تبلیغات خود با افکار و عقاید توده‌ها به گمان خود تبلیغات خود را با شرایط مشخص هر منطقه تطبیق می‌دهند.

معتقدین به این نظریه و البته می‌توانند به برد که اصول کمونیسم مبتنی بر بنیاد "اموری آموزشی در میان اعضای تشکیلات و حتی بعنوان یک کار ترویجی در میان متخلفین از پیشروان

طبقه" کارگر مورد مطالعه قرار گیرد و اساساً آنچه بطور جدی مخالفت آنها را برمی‌انگیزد تبلیغ و ترویج توده‌ای عقاید کمونیستی است. آنها مخالفین خود و یعنی کمونیست‌هایی که به نشر وسیع و صریح نظرات خود معتقدند را ذهنی گزاف و چپ و ولونتا ریست لقب می‌دهند. بزم آنان چنین کمونیست‌هایی افراد غیور - محالی هستند که از دوز دستی بر آتش دارنده شرایط واقعی مبارزه را نمی‌دانند و از اصل ذهنی "تحلیل مشخص از شرایط مشخص" هیچ چیز نمی‌موندند. به نظر پیرو لیست‌ها در کردن

بنا بر این نقد جامع و همه جانبه است سیستم نظری که با خدا کردن لفظی حساب خود از پیرو لیست‌ها و عملی شکست‌ها و ناکامی‌های آن‌ها همچنان در پیش ما جان سخت می‌کند یکی از وظایف مبرم مارکسیسم انقلابی در شرایط حاضر است. ماسی خواهیم کرد تا در صفات کارگر کمونیست با بسط دستاوردهای شوریه مارکسیسم انقلابی در نقد سبک کار پیرو لیستی و به این وظیفه "مبرم پاسخ دهیم. در این نوشته بررسی و نقد بنیاد "پیرو لیستی" تبلیغ و ترویج در یکی از بروزات عمده و رایج آن یعنی نظریه "تبلیغ - پرسش" را - که به عقیده ما بسیاری از فعالین جنبش ما آگاهانه و یا نا آگاهانه و بر حسب تئوری عادت از آن پیروی می‌کنند و ناکتون به "امور اخلاقی" کمونیسم و جنبش پرولتاری ایران بسیار ضربه زده است. در برابر خود قرار دهیم.

### "تبلیغ - پرسش چیست؟"

شبهه "تبلیغ پیرو لیستی بر این استنباط مبتنی است که "نظرات کمونیستی را نمیتوان بلا واسطه و مستقیم به میان توده‌های مردم برد". بزم پیرو لیست‌ها تبلیغ توده‌ای سوسیالیسم و کلاً اهداف و سیاست‌های پرولتاری در هر زمینه و موردی امریست که باید بقدری و گام به گام و از طریق حلقه واسطه‌های متعدد و پس از زمینه سازی‌های ذهنی لازم انجام شود. پیرو لیست‌ها در انما این نظریه که ما بطور خلاصه آنرا "تبلیغ - پرسش می‌نامیم" و قطعاً شرایط مشخص جامعه را مورد استناد قرار می‌دهند و چنین استدلال می‌کنند که ضرورت





آن در پیرویه "پراتیک کمونیستی است."  
 بنابراین لازمست قبل از آنکه به نقد و  
 القای نظریه تبلیغ - پیرویه سردار ایسم  
 بپردازیم که مقصود بپولیتسها از "شرایط  
 مشخص واقعات موجود جامعه" چیست و آن  
 شرایط و واقعاتی است که به گمان آنان نسر  
 بلاواسطه و مستقیم نظرات کمونیستی را غیرممکن  
 نمیکند کدامست.

ذهنیت عقب مانده توده ها، سدی در برابر تبلیغات

کمونیستی!

آنچه بپولیتسها در برابر تبلیغ سرپیچ  
 و مستقیم کمونیسم قرار میدهند و ما را بیس  
 ندیده گرفتن آن متهم میکنند عمدتاً ناظر  
 بر "ذهنیت عقب مانده" توده ها یعنی آن  
 افکار و عقایدیست که در میان کارگران و  
 زحمتکشان در مقامات و نظرات و ایده های  
 کمونیستی نفوذ و سبب شده دارد.

به منابع بپولیتسها همیشه چنین تصور  
 میکند که شرایط فعلی توده ها برای پذیرش  
 نظرات او آماده نیست و زمان سخن گفتن از  
 کمونیسم هنوز فرا نرسیده است. او اعتقادات  
 و عرفات مذهبی مردم، تعصبات قبیله ای و  
 بیسواد و سطح نازل فرهنگ، سنن و اخلاقیات  
 محافظه کارانه و وابستگی توده ها و ...  
 و واقعاتی از این قبیل را دلالی بر این محکم  
 آمادگی میدانند و این واقعات را سبب "سدی  
 که در برابر تبلیغ اهداف و سیاستهای پروتوری  
 کعبه عده و جذب توده های این نظرات را بسیار

نیز تبلیغ - پیرویه معادل است با علی و فطمت  
 و واقعات موجود جامعه و ویژگیهای ککسرت  
 مبارزه "طبقانی و بحساب نیارودن و اهمیت  
 ندادن به این واقعات".

آنها به عنوان "کلید" روی بپولیتسهای  
 رنگارنگ مانع بلند چنین وانمود کنند که در این  
 مورد نیزه مانند موارد دیگر اختلاف نشان  
 یا مارکسیسم انقلابی اختلافیست میان همسران  
 "واقع بین" "اهل عمل" و "عقلان"  
 مارکسیسم با منتقدین "عقال پرداز"  
 "آکادمیست" و "دگماست" آن!

این روایت ملل و بپولیتسها از اختلافی  
 است که میان عمو "برخوردها" و آنها به اسر  
 تبلیغ توده ای وجود دارد. اما آیا واقعات  
 مسئله اهمیت؟ آیا واقعا بحث بر سر بحساب  
 آوردن و یا نادیده گرفتن واقعات و شرایط  
 مشخص جامعه و مبارزه "طبقانی است؟ آیا  
 مخالفت ما با نیز تبلیغ - پیرویه به این خاطر  
 است که ما معتقدیم که نباید برابر تبلیغ  
 و ترویج واقعات موجود جامعه را مد نظر قرار  
 داد؟

خیر! اختلاف بپیرویه سرسرای نیست.  
 ما در این مورد که به تنها در امر تبلیغ و ترویج  
 بلکه کلاً در تمام جنبه های پراتیک کمونیستی  
 باید شرایط و واقعات مشخص جامعه و ویژگیهای  
 مبارزه "طبقانی و بحساب آوردن و در نظر  
 گرفت هیچ اختلاف نظری با بپولیتسها نداریم.  
 اختلاف ما عمیقتر و اساسی تر از اجتناب مسئله  
 بر سر شناخت و شرایط طبقانی کاملاً متفاوت ما و  
 بپولیتسها از این واقعات و مکان و جایگاه

زنده باد سوسیالیسم!



مفک - و اگر به فوت و فن تبلیغ - پیوسته آگاه نباشیم مطلقاً غیرممکن - میکند در نظر میگیرد و درمیخواهد کار خود بصورت مبادی آورد.

مثلاً تبلیغ پوپولیست ما هیچگاه بخود اجازه نمیدهد که برعلاوه اعتقادات مذهبی مردم حرفی بزند و ناسی نظرات ما در مورد مذهب و نه حرفا گوید هائى از آن را مطرح کند و پیوسته از اینکه مذهب الهیون بوده هاست و اسباب بددیر مردم و اصلاحه "عوامل طبیعی و طبیعی سرمایه داری و انتشارا که است با آسان شدن بگوید و چرا که " مردم دارای گرایشات و تمیلات عدیدت مذهبی اند " زمان افشای مصلحت ارتجاعی و بیاطرفیانه " مذهب مسووز فرانسویده است " او هیچگاه بخود اجازه نمیدهد که تساوی و برابری اجتماعی زن و مرد و آزادی کامل زنان را در میان نموده ها تبلیغ کند چرا که " تمیلات افلاکی و ناموسی و سنتهای پسران لازمه " نموده ها را باید در نظر گرفت - سخن گفتن از برابری زن و مرد مسووز زود است " و ... سالانه او هیچگاه از ضرورت درهم کوبیدن نظام سرمایه داری و لغو مالکیت خصوصی و مظلومیت سوسالکسیم و دیکتاتوری پرولتاریا با نموده های کارگر و رحمتگر نمیگوید چون " نموده ها دارای منافع و خواستهای فوری دیگرانیک اند - مرحله انقلاب دیگرانیک است و هنوز زمان سخن گفتن از سوسالکسیم فرانسویده است " و

پایین تر تبلیغ پوپولیست های " واقع بین " ما یک تبلیغ کمونیست را به پیغمبر بیخوشاوسی تبدیل میکنند که گویی هیچگاه زمان آشکار کردن دعوت فرانسوی رسد ( پیغمبر بیخوشاوسی که تمام واقعیات مادی و ملموس جهان خاکس ما بر مفاصل

افکار و عقاید آسمانی و نامانوس و علایق الهاده او قرار گرفته و دامنه " کار او را بنا گذر بر همه جمع محدودی از اصحاب و حواریون برگزیده منحصر کرده است !

اما حقیقت آنست که نه کمونیسم یک نظریه نامانوس و عجیب و غریب برای نموده های مردم است و نه واقعیات ملموس و موجود جهان ما به آنچه پوپولیستهای بیخند و مارا از آن می - فرمایند ، محدود و منحصر میشود .

ما با تئین تری به این نکته خواهیم پرداخت . اما قبل از آن لازمست که تکلیف خود را با مافعی که پوپولیستها بر سر راه ما تراخیده اند بگشرد کنیم .

فرهنگ مسلط بر نموده ها فرهنگ تعیین و تریب بودله ای است !

در این نودیستی نیست که نموده های مردم دارای عقاید و آرای عقلماننده و خرافات و تمیلات مذهبی و ناسیونالیستی و غیره اند - و اصولا گر چنین نموده بخیر اعظم کار بیگفتنی - ترویجی ما نیز دیگر موردی نداشت - ما ایست واقعت را می پذیریم اما نه برای تسلیم و تمکین به آن ، بلکه برای مبارزه علیه آن و تغییر آن ، نه بمنظور آنکه از آن بهرامیم و با آن مدارا کنیم بلکه به این منظور که با تبلیغ صریح و بلاواسطه نظراتمان آنرا از سر راه برداریم .

اما آیا ما قادریم انجام این کار هستیم و نظرات ما این قدرت را دارد که افکار و سنس هزاران حاله " نموده های محروم و تحت ستم جامعه را منشی کند و بی اثر سازد ؟ برای یافتن پاسخ این سؤال کافیست از



از یکسو و فرم — گ و اعتقادات بورژوازی  
آنان از سوی دیگر نفاق منسی است. مکتب  
مارکسیسم و بیثباتی است. این روشی که غلبت و  
ممانی و بیعت فلاکت بار بوده های محسوس و  
بیم کننده در جامعه سرمایه داری، یعنی  
ماهیت ستم و استعمار طبقاتی بورژوازی  
توضیح میدهد و راه نفی آنرا نموده ها  
معموزده در مقابل با فرهنگ بورژوازی  
نوده ها، یعنی ایدئولوژی که این ستم و استعمار  
را نوحه و برده پویی مینماید آنرا انکار و  
تقیب میکند.

بنا بر این بیپولسیتهای ما کف بدیسی  
نگرده اند و به مانع عجب و غیره نظرهای بر  
سر راه تبلیغات کمونیستی بر نهاده اند. آنچه  
آنها را سراسر انداخته و به تحکین و سردار  
و انداخته است و چیزی، بجز تقابل آغوشی ناپذیر  
طبقاتی میان ایدئولوژی پرولتری و ایدئولوژی  
بورژوازی نیست.

اما خرده بورژوا — سرمایه ایتها نسبه  
میخواهند و نه میتوانند که این امر بدیسی  
و محرر را درآیند. آنها نمیتوانند درک  
کنند که تمامی آن " فرهنگ و امتقادات  
نوده ای" که از آن ستم مانع بر فایسلی  
نمودی در سراسر کار آگاه گران " ما ساخته اند  
به با کوه برلی میماند که در مقابل آگاهی  
کارگران و زحمت کشان به منافع و اهداف  
و ایستادگی سرعت دوب میشود و از بین میرود.  
آنها در عوض به منظر - و بمسارت  
مصحح تر به بیانه - " حل نفاق من" فرهنگ

عود برسیم که افکار و آرای سلطه بر اذهان  
نوده های کارگر و زحمتکش در یک جامعه  
بورژوازی و افکار و آرای کدام طبقه است؟  
آنها چیست که اعتقاد مذهبی و فلسفی است  
و دیگر افکار و عقاید سوسیالیستی  
نوده های مردم از جانب بورژوازی و کلاً اقلیت  
استعمارگر و حاکم سرمایه رواج یافته و  
ایران تحمیل و فریب آن است؟

نه تنها برای کمونیستها بلکه برای هر  
فرد دمکرات انقلابی که قادر باشد واقعیات  
فرا تراژیک دنیا خود را ببیند و پاسخ همین  
سئوالات روشن است. برای هر کسی که در این گفته  
دایمانه " مارکس که " آرای و عقاید حاکم بر  
هر جامعه آرای و عقاید طبقه " حاکم بر آن  
جامعه است " اندکی تعمق کرده باشد روشن است  
که فرهنگ و عقاید نوده های مردم در یک جامعه  
سرمایه داری، عقاید است که فخر و استعمار و  
تحمیل و نا برابری و بیعدالتی طبقاتی را  
توجیه میکند و برای نوده ها قابل تعمق  
میسازد. عقاید است که نوده های کارگر و  
زحمتکش و علیه منافع اجتماعی و منافع  
واقعی خود آنرا بدیده اند یعنی دنیای این طبقه  
آنها بدیده اند که ما مع واقعی خود آگاهی ندارند  
میسارت دیگر که آن تمامی که مکتب  
فکرات و عقاید کمونیستی و افکار و آرای  
خود بخودی نوده ها وجود دارد و بیپولسیتهای  
ما تا به این حد به آن حساسیت نشان میدهد  
و نگران آند و در واقع نفاق من است میان  
واقعیت و موقعیت یعنی نوده های کارگر و زحمتکش

برقرار باد جمهوری دمکراتیک انقلابی ایران!





مرگ بر نظام سرمایه داری از مرگ هر عینی شروع میکند و بتدریج وقتی مراحل مختلفی به مرگ بر رژیم سرمایه داری می رسد و به این ترتیب به بلندگویی بورژوازی لیبرال تبدیل میشود.

برای طرح شعار منصف اعمون توده ها است ابتدا حسن را در برابر بیزید ترا برده شده سپس به زیر پرچم پدروالفاقی می روده با لافه اسلام را بنشین در مقابل اسلام حاکم دفاع میکند و جداگانه در رادیو کال ترین مرتبه خود مذهب را بعنوان امر خصوصی مردم برسیست می شناسد و به این طریق چپ و چپ از آنکه زمینه دهنی توده ها را برای جذب مومنین پدروالفا را فراهم کند مومع همین و همین و مسعود رجوی و بختیار را تحکیم و تثبیت میکند.

برای دفاع از حق تعیین سرنوشت ملت کرده که برای یک کمیونیست شامل پذیرش بدون نید و شرط حق جدایی نهر می خورده در مقابل شوشنیم فارس مومع کردها خود مختاری می خواهند جدایی را تدایغ میکنند کلامی از حق جدایی بر زبان می آورده اما با تعصبات بورژوازی و ملت طلبیات می روده های فارس را تحریک کند و ملت طلبیات خود را گسار اهوریسون بورژوا - لیبرال ایران فرار میگرد و تمام این مومع بنیابنی را این سپاه اعزاز میکند توده های داری افکار و عقاید مذهبی و سیاسی الهیست در تمام توده

بتدریج ذهنیت آنها را برای مقصدنایی آماده کند اما در واقع مبلغ زیرک و محتاط ما با انگل چندین همواره ای نه تنها هیچگاه به مقصدنایی نمی رسد بلکه بنیابه عامل و اما مدینه افکار سیاسی و بورژوازی فرمولوف پدروالفا سپاه کارگران و زحمتکشان را به دنیا لدران همسان طبقه نانی شان تبدیل میکند او میخواهد توده ها نزدیک خود اما برای این کار به رسمانی جنگ میزند که بورژوازی دیگرش توده ها انداخته است میخواهد توده ها را ریم نهد ما در واقع آنها را بدان طبقات دیگر می راند میخواهد ذهنیت توده ها را برای پذیرش سیاست آماده کند اما در واقع حیل و خراشات و توهمات بورژوازی را در ذهن آنان تثبیت و ایفا میکند و با لافه میخواهد سیاست را برای توده ها مقبول و مطلوب کند اما آنرا تنها به مدای غرده بورژوازی می کشد.

مبلغ کوتاه نظری و صلحت گرای ما هیچک از این دگات را نمی بیند و درک نمی کند او نمی فهمد که با لافه رفتن از تبلیغ مریخ و بلا و اسطه سیاسیست و احواله آن به سهر پریم و شلم تبلیغ - پیرویه در عمل آن مانع ذهنیت توده ها را که مدام ما را به آن توجه میدهد مستحکم تر میکند و با این کار خود آب به آفتاب سرمایه می ریزد و با احتراز از مقابله مستقیم با این مانع و تمکین و انکاز به آن حتی نه با توده ها و ذهنیت غلب مانده آنها بلکه با بورژوازی و ابزار عوام فریبی او سازش و مدارا میکند و خود را از دست بورژوازی تبدیل میشود.

اگر ما کارگران اراده کنیم همه چرخها از حرکت باز خواهند ایستاد.

طبقه کارگر تنها به نیروی خود آزاد میشود.



کمیونیت و تبلیغات کمیونیتی بر کدام واقعیات مبتنی است؟

"کمیونیتها عاقدانند که عقاید خود را پنهان کنند" این جمله جاودانی مائیلست امروز عمار کمیونیتهاست است که اراده کرده اند تا بر مقابل کوتاه بینیها و محاسبه گرهای حاضر عرصه بورژوازی و مارکسیسم مائیلست را زنده و احیا کنند.

اما این شعاره صرفاً يك اصل دلمی و پسا بر حسب اغلاقی کمیونیتها را بیان نمیدارد بلکه مستتر آن ما سادگویی نیاز و ضرورت نیست و عملی مبارزه پرولتاریا و یکی از اصول راهنمای تبلیغات کمیونیتی در هر عرصه ای است.

کمیونیت علم شناخت و توسعه ماهیت و مفاد واقعی تمامی مفقات و مسائل گریبا نگیر کارگران و کلیه "رهبران عرصه و علم رهاست از بوج این مفقات و مسائل است. کمیونیت ایدئولوژی ای است که در تمام و تقابل با منطبک نظرات ناسیونالیستی و خودبینی و کلیه "سنجش های فکری و فرهنگی بورژوازی سلطه بر جامعه که به صبح و تحریف و پرده بومی مسموم و استعمار طبقاتی گمراه کننده بر واقعیت زندگی استعمار رخنه دگان و سنجیدگان و به تمام و خواست عمیق آنان برای رنج این مسموم و استعمار مبتنی است. و تمام حقاقت اعتبار و نفوذ خود کرده گمراهی و تحریف بعضی کمیونیت از همین جا ناشی میشود.

مارکس میگوید: "ثوری میتواند نبوده گمراهی بوده به سخن آنکه بوده ها عمل نظر ثوری کردند و نبوده ها زمانی عمل نظر ثوری میشوند

که ثوری را در کمال باید. را در کمال یعنی نسبت به ریشه مسائل نبردن و برای انسان هر چه خود انسان است. و را در کمال هم کمیونیت به سر علاقه تمامی ثوریها را در کمال تبلیغات دیگر کرده است که به ریشه واقعی مسائل انسان استقامت کرده و محروم عرصه ای یعنی به معنی نبردن و واقعی ترین و بهترین همیشه بوده های استقامت عده میورنیزد.

بر مبنای این دلیل بدیهی - که عرصه بورژوازی - سوسالیتها همگامه و تماماً و عمیقاً قادر به فرک آن نبوده اند است که کمیونیتها در تبلیغات خود تنها از به محاسبه گریهای کوتاه - به نفع و حقیقت عرصه بورژوازی ندارند و عمیقاً خود را پنهان نمیکند و همیشه خود را مسموم میدانند که نظرات و احصاف خود یعنی نظرات و اهداف طبقاتی پرولتاریا را رواج دهند و تنها از این عقاید اهداف دفاع کنند. کاسیکو مارا بطور حتمین اعتقاد است به ذهنی گرائی و ولولتاریسم متهم میکنند و با از سوسالیتسم به نفع ایدئولوژی پرولتاریا یعنی ایدئولوژی طبقه ای که بحکم موقعیت عیناً در جامعه سرمایه داری قادر است درک و جذب این ایدئولوژیست و هیچ چیز نلیخته اند و با از همین زندگی بوده های کارگرویت تمام جامعه هیچ شناختی ندارند. واقعیتها اینست که عیناً ما به و در بیانی گمانی است که از یکسو سوسالیتسم را بعنوان ایدئولوژی یک طبقه معین اجتماع میباید که به مثابه مکتب فکری ماسخی و پیچیده ای که خاص روح فکری است میسازند و از سوی دیگر محروم و قادر درک طبقاتی کارگران و زمینکنان را در گردنک و انکار و روعا بد مرسوم در جامعه بورژوازی. خلاصه و منصرف میکنند.



کودک یعنی معیار پوپولیست ما به فراز  
 است که نفیمنند و میایم علمی حقیقت میان  
 است و سوسیالیستها سرعینترین و دنیاوی ترین  
 واقعیت زمان ما زندگی هستند ما بر سر  
 واقعیت خرد و ظاهر پوپولیستها این واقعیت را  
 قرار میدهم که:

\* نظام سرمایه داری متناقض و ماضی باقی  
 تمام معضلات و معرومیتها ی مادی و معنوی و  
 موجودیت نا امن و باسایمان کارگران و توده های  
 رنجمنگی و تهیدست بر سر زمین است. این نظام  
 مستلزم تفرقه و تلاطم و جنگی همگامی و سرمایه نمایی و  
 جنگ و تمامیات اجتماعی و سیاسی حفری سیاسی و  
 تبعیض نژادی و جنس ملی و ستمگویی زن و مهمل  
 لغت و دنیا دو کلمه معانی گریزناک کرده است  
 (از سید ابراهیم «حزب کمونیست»)

این نقطه مزیت و محور اساسی تبلیغات  
 کمونیستی در هر شرایطی و در هر دوره هر ساله ای  
 و خطاب به هر کسی است که تحت ستم سرمایه قرار  
 دارد. این بنیاد از سرمایه حزب کمونیست  
 خلاصه و فشرده آن واقعیتها است میدان در کده

برونقارها و سوسیالیست عمیقاً آنرا میمانند و  
 بر آه نیمه آن دست ندارند است. همین در کتب  
 شناخت است که اعداد و آرمانها و براتمسک  
 مبارزاتی او را از اعداد و وسایقی نظری و عملی  
 اقدار و طغیان دیگر و از انواع را دیگران هم  
 پرولتری نشان میمانند و از جمله همه تبلیغ  
 این اعداد و آرمانها نیز صحت و کیفیت طبقاتی  
 مستقل و خود برتری میبخشد. بنا بر این و سعادتی  
 خلاصه و نتیجه بحث عبود ما بدست که اختلاف  
 نظر ما با پوپولیستها بر سر ستم و همه تبلیغ از  
 اختلاف میان و تونوم واقع بین طبقاتی کاملاً  
 بنامیز و متناقض ناشی میشود. این اختلاف  
 میان براتمسک انقلابی پرولتری که بر میتبصیت  
 زندگی توده های تحت ستم و استعمار متکی است و  
 تقدیمگر و همه جانبه و دیگر گونی رده ای ایس  
 واقعیت را هدف قرار داده است. با انقلابیگری  
 هر دو بوزوئی که تبلیغ و پیروان اهداف و  
 و طاعتها یعنی و رفرمیستی آن اساساً  
 بر ستمت معنادار و انکار بر این واقعیتات

البته امکان و گونگی تبلیغات ما بر حسب شرایط مختلف تغییر میکند. یک تبلیغ در این کشور  
 برای انتقال دلالت عود از چه موضوعات و سوزها می استلزامه کند چه ملاحظات امنیتی را در نظر  
 بگیرد به چه ترتیب و ناچه عناصارات و پیوسته و بهای سطح این عود را بحساب آورده به چه طریق  
 آنرا جلب و جذب کند و ۱۰۰۰۰۰ کاملاً آزاد و بیغنا است. منظور واقعی خفنی عوامی به نحوی گسسه  
 تبلیغات ما بهترین نفوذ و تأثیر را داشته باشد. هر ستم که می و هنر تبلیغ نامیده میشود و هر  
 سلفی مبار و موطن است که این می و هنر را در انگیزه کار برسد. اما آنچه سهیم و چه ملاحظاتی  
 آن مبار نیست که از برادران می و هنر تا حدیست که اعداد و وسایقی تبلیغات ما نفس و محدود  
 و همانطور که گفتیم، ما را به حاکمین ملاحظه مواضع طبقات دیگر تبدیل میکند. این توضیح  
 را این خاطر ضروری دیدیم که را در بر عود گهرو پوپولیستها می که به سهانه ملاحظاتی و مواضع  
 نبوی و معنوی و اهداف تبلیغ را عادی شکل و نحوه آن میکنند و با ملاحظاتی ما بر حفظ  
 کمونیستی تبلیغات را به مواضعی نه این مواضع ملاحظاتی تکمیلی فطرتاً در ما دیده اری  
 سند با هم



### کمونیستها - مجاهدین و مزدخیز

دوران ماه عسل " کمونیستها " و مجاهدین  
 مدتهاست که شهری شده است . از دورانی که  
 مجاهدین به " کمونیستها " مژده میدادند که  
 مارکسزم را بعنوان " علم مبارزه طبقاتی " ( نوعی  
 گمبند " مارکسزم علم شرایط رهاپسی  
 است " کا رگراست به علم مبارزه " طبقاتی بشور  
 کان ) پذیرفته اند و خود بعنوان صاحب نظر  
 مقدمه بر مارکسزم " می نوشتند " کمونیستها " .  
 بنابراین به مجاهدین مژده میدادند که آنها  
 کمونیستها را با مدعیان " متحدین طبقاتی " خود  
 قلمداد میکردند دوران شور و عفت " وحدت انرا -  
 تزیک برای سرنگونی حکومت " عام - مدتها  
 میگردد . از دورانی که مجاهدین برای " حفظ  
 وحدت صفوف خلق " از جمله " آهنگار " کمونیسم  
 اختراع میکردند " کمونیستها " هم میدادند  
 مجاهدین - برای حفظ " وحدت صفوف خلق " اختلاف  
 مارکسزم با " اسلام انقلابی مجاهدین " ( نوعی  
 تکمیل ) و اتحادیک انقلاب فیللی سرزندقم ماده  
 سزایده " تمزک میدادند و عبوه ای ا بزرگو -  
 سستی به خرافه های مذهبی تکمیل میکردند  
 دیگر نشانی نیست .

چنین تحولی نتیجه " گریزنا پذیر چهار سال  
 مبارزه " حاد طبقاتی است . از یکسو چهار سال  
 مبارزه در اشکال و عبوه های گوناگون بهین دو  
 طبقه " اصلی جامعه یعنی پرولتاریا و بورژوازی  
 نمیتوانست به نهمین تکلیف تمام نیروهای  
 " ملی " ( سلمان و غیر سلمان ) یعنی آن  
 نیروهای خرد بورژوازی که میگردد موضع بینا  
 بیسی خود را حفظ کنند منتهی نشود . و اختلاف  
 اکثریت چریکهای فدایی خلق در حزب تسویه و

مناجات دارد و بر نفاق فرار میکند . و از این  
 ه حلی اگر نظر این واقعیت عمومی و بنیادی  
 را ببیند و سرسخت سفاک شده میلا و در عرصه " پرانیك  
 آنرا تحت الشعاع درك خرد بورژوازی خود را اوضاع  
 و شرایط معصره یعنی آن اختلافات تجزیه می  
 مطلق و پراگماتیستی از واقعیت که کاملاً بسا  
 سباحت و اعدا در فرمیستی و سیاسی او منطبق  
 است و قرار میدهد .

پرولتاریای سوسیالیست برای این واقعیت  
 آگاه است و آنرا راه در تعریه و عمل آزموده  
 است که ریز فکری طبقاتی او و وحدت و اعتبار  
 ایدئولوژی او در " است شدن به ربه " مسائل  
 انسان محروم و ستمکشیده معبر با یعنی تفکمیستی  
 و همه حاسه نظام سرمایه داری و مبارزه بر هیچ  
 و در پرولتاریا سوز و آزی نیفتاده است . خرد بورژوازی  
 - سوسیالیستها به هر بهائی که میخواهند این  
 جوهر و بنفله قدرت کمونیسمه یعنی این واقع  
 یعنی پرولتاریه را مخدوش کنند و به تعریف گام  
 سگام آن سپردارند - ساس ماده آنان اینست :  
 شما تمبا " ترس رفت تا خود را ز گام برداشتن  
 سوی سوسیالیسم " را در پس این بهانه ها پنهان  
 میکنند .

ت. پاشا

## " برنامه حزب کمونیست "

را بخوانید و در رنگر و توزیع آن بکوشید

\* از دفاعیات مجاهدین در دادگاه شاه . اردیبهشت ۱۳۵۱

\* مقدمه بر مارکسزم نوشته سعید محسن . این نوشته ها به " مقدمه بر مطالعات مارکسیستی " پیروان را







ساله "مقاومت مسلحانه" آنجا که با این مطالبه ما  
بر طرز دیکتاتورانه میگردید:

"اگر کسی خصوصیت ویژه فرهنگی - اسلامی  
با همه ایران را قبول ندارد که هیچ! بگذارد  
همنان و برای همیشه (مثلا یکی از این  
گروهها) زیر اعلامیه ما این را با عصار  
"جدایی همین از سیاست" اضافه کند!!  
بگذارد همنان بها اعتنا به آنچه که در  
همین سالها در ایران به هم دیده و به  
گوشه کشیده و بها اعتنا به اینهمه تاریخ  
ایران و بها اعتنا به آنچه معادها و  
تحلیلهای معاهدین (راجع به این دوره یکی  
مقصدتی و فرهنگی و تاریخی خاصه) که از  
سال ۵۰ به بعد پیوسته در همه جا گفته ام  
و نوشته ام (در عمل هم به اثبات رسیده)  
همنان یا مسئله اسلام در ایران و اگر  
این بیستم همانند سهجیت نیروی وسطی  
در اروپا بر خور دکنند. اما اگر واقعا  
کسی از مرحله و از توده "مردم بیسرت  
نیست به او بگویند و بها موزید که  
رفقای عزیز، دوستان عزیز! روح یک  
ملت ما همین نیست که با هندل و بیستون  
حرکت کند... آیا تجربه رفتن بارو معاوی  
بلاحت بارو و منعکس اپورتونیستهای بها  
در ده سال پیش کافی نیست؟ ده سال  
پیش آنها هم مثل امروز بها بها  
تفاهاست زبانی بودند... و فکر میکردند  
که هر آنچه را از اسلام و مسلمانان است باید  
بکشند و بسوزانند و از بها بها  
میکردند که دیگر بها بها  
با اسلام نیز از ریشه و برای همیشه

کنند. آخر آنها هم مثل شما بها  
انقلابی معاهدین را هرگز بها  
ایدئولوژی و یک بها  
و یک هویت دستمسی فهم بها  
رفقای عزیز! بعد از اینهمه سال شما دیگر  
چرا بها  
طرف زهرا علامیه بها  
می نویسید و از طرف دیگر بها  
سرما به داری (جدایی بها  
نیز در همانجا تکرار می کنید؟ عجب!!

لذا بها  
سال ۶۱ و در بها  
عمار جدایی اسلام از بها  
منعکس و بها  
که کسی بها  
سیاست"

ما دلالی چندین معکم و موضع چندین بها  
آقای رحوی تبریک بها  
میکنیم بها  
"توطئه" بها  
کامل بها

اما بها  
چیت؟ بها  
آوردیم بها  
بعلاوه بها  
است. بها  
تا بها

از بها  
گونه بها  
دیگر بها  
هستم بها



استعمار و بنده در مبارزه علیه استعمار گران، با وعده زندگی بهتری، از مرگ، با استعمار - هوندگان تحمل زندگی در جهنم و الهی را میبندد و بهشت رحمتی استعمارگران را تقدیس میکند. به اولیا الطاعت و به دومیا طاقت را موعظه میکند. این دومین ترم مذهب برای استعمارگران است.

هر مذهبی را اسلام بویژه، سمعوه از جهات - آیات - تعبیرناهدی است که گویا زندگی بفری میباید بر طبق این آیات تا مان با بسا این خاصیت مذهب در هدایت با دکان مل بی و فلسفه تاریخ به آن حلقی خد مکرانیک می محدود آفرای به اجرایی برای ارمان و تقدیس ارتعاسی ترین گرایعهای استعمارگران بدل سازد. این سومین نمره مذهب برای استعمارگران است. مذهب در طول تاریخ و برجا معسر مایه داری امروز نیزه یکی از ابزارهای دائمی طبقات دارا برای ابطال دکان و تصرف در میان تبهخشان بوده و هست. قتل غامبی کنونی در ایران بنام مذهب توسط دولت سرما به دارا، به اندازه خود تاریخ لطیفی قدمت دارد. این چهارمین نمره مذهب برای استعمارگران است.

نکاتی که در بالا عرضیم نهمه کینسیر عواست، هرولنا رهای موسیالیت بلکه تقدیس سر صلیهای آن علیه خرافات مذهبی بنیابه یکی از آلام بشری است. هرانداره، مجاهدین به عکس بنامند هوند. خداوندان در فهار را با لسان پده همگی - که - خلق قهرمان تابع و ما صل امرائی اراده اوست - بهوقا اند و در صلست

یعنی جدایی مذهب از سیاست بویژه و به پیوسته است زیرا مذهب مانند هر ایدئولوژی دیگر - هندهای لطیفانی است و لزوماً با سیاست همبست است. به بیان روشنتر ما آنرا خواستار جدایی مذهب از دولت هستیم که مذهب امروز و در طول تاریخ با سیاست و آنهم سیاست طبقات استعمارگران همبست بوده و هست. به این دلیل که تمام دولتها و بویژه واهی آفکارها بنیان توسط مذهب تقدیس میبوند و با آن پیوند دارند. به این دلیل که مذهب - هر کتا بر همی و ارتعاسی - اسرار دانی سرکوب و تحریف کارگران و زحمتکشان است. به این دلیل که مذهب - هر مذهبی - یکی از اعدای متم روانی سر نبوده است. مذهب در طول تاریخ در خدمت

استعمارگران بوده است زیرا:

هر مذهبی - معجزه اسلام به اصطلاح انقلابی مجاهدین - اگر بنواهد مذهب با عدنا گریه بر این حکم انوار است که گویا اراده ای قوی بفری عدل سر منشا تمام سرکشان است. گویا تاریخ و بواسطه لطیفاتی انسانها و تمامی صائب بشری ناموسی از صفت ذاتی باریدنا لطیف است. این خاصیت مذهب که ذهن زحمتکشان را از منشا و الهی رنجسا و صائبان دور میکند، هر ایدئولوژی سرما به و هرگونه تعوی را خارج از توان و اراده بشری جلوه میدهد. اولین نمره مذهب برای تمام طبقات استعمارگران در طول تاریخ از جمله سرما به داران بوده و هست. مذهب به مثابه انعکاس ناتوانی طبقات

**مرگ بر سرمایه، مرگ بر امپریالیسم!**



و نقل مذهب قشیری، حاصل نمیشود. شوم خواننده را به ندکته زیر طلب میکنیم!

آقای ویدی هم در نازل تویی که آوردیم و هم در دفعی دیگر همان جزوه ایران را جاده ای ترسیم میکنند که مشخصه ها نا اسلامی بودن آن است.

پسین فتاوی در مورد ایران و بلور کلسی هر جا مدهای جاهلاند و مفرمانده است. جاهلانند

است زیرا بر تمامی دنیا و دعای بشری در زمین با ریخ و با معدنهای باطلان میکنند و شوریهها

میدعین و رحمت میکنند. همانگونه که در مورد بیک فرد بر اساس آنچه که بر ما ره خودی اندیشیده

نمی توان تفاوت کرد در باره بیک جامعه هم نمیتوان

بر اساس معور آن جامعه ناوری کرد بر روی حقیقت علمی هر جامعه تنها هنگامی ممکن است که

روابط مادی آن - مناسبات تولیدی - منقاسه

مینا در نظر گرفته خود و تمام روابط ایدئولوژیک

مقدمه مذهب منقاسه انعکاس این روابط مادی

در معور انسانها مورد سلطه قرار بگیرد. بر روی علمی جامعه روغن میسازد که مذهب منقاسه

انعکاس نا توانی انسان در مبارزه علیه نیروها

شیمی پدید آید و منقاسه بیک عامل تخمیر کننده

در جبران توسعه مایکات استعمارگر تثبیت شده و نیز در

نتیجه نا توانی خود استعمار و جنگ های در مبارزه

علیه استعمارگران تداوم یافته است. مذهب

اکنون و در جامعه سرمایه داری انعکاس نیروی

فردناک سرمایه است. نیروی که در هر قدم زندگی

کارگر و کاسکار کوچک را به ورعکتگی و انهدام

به علل استعماری فوری آگاه شده و سرا و رها بیسی

خونده مبارزه بر غاسته است مذهب را بیکسار

می اندازد بهت را به بهترین بلندگای غسده

و امیندومیکو هت زندگی بهتری را در روی زمین

بریا کند.

مفرمانده است! زیرا تا کید بر اسلام بمشابه

حلت با بهار بیک جامعه و روح بیک ملت تلامی

آگاهانه است برای کشان نقل و کار کرد مذهب

بمشابه ایدئولوژی بیک طبقه معین و در خدمت

منافع طبقاتی استعمارگران، ایدئولوژی سلطه

در هر جا مده ایدئولوژی طبقه سلطه در آن جامعه

است. کسی که این حقیقت را از کارگران پنهان

کند بر روی بیسی است که مقوب با حقن نهن کارگران

و تمهید آنان را هدف خود قرار داده است. بسا

مطلق و زید بیکه آقای رموی شد کمونیسم روح

ملت آمریکا و صهیونیسم روح ملت اسرائیل

است و نه ایدئولوژی بر بهترین افعال و روز و از

این کشورها.

مفرمانده است! زیرا چنین حکمی بر منقاسه

تمامی الام و ستمهای کنونی را می یواند همان -

گفته که فتاوت در باره بیک سرمایه دار معشوقان

انسانی. مسلمان مفرمانده است. قسمازادان

و بزرگی مذهبی بیک جامعه سرمایه داری در مگان

اول نیز مفرمانده است هر کارگر آگاهی میداند که

مشکله نه بین کننده این نیست که مذهب رسمی

ایران اسلام و مذهب رسمی اسرائیل یهود است و با

ایمکه در هندوها فرقه مذهبی گوناگون و حسود

دارد. مشکله نه مادی اینست که اینها حوامعی

سرمایه داری اند و این نظام سرمایه داری سر -

مفا و عامل ملای تمام محرومیت های مادی

و معنوی کارگران و تمامی توده های تهیست است

و رهایی فیزیکی آنان جز با انهدام همه حاکمان

و رهایی فیزیکی آنان جز با انهدام همه حاکمان



این نظام ممکن نیست. اما این حقیقتی است که آقای رجوی آگاهانه آنرا کتمان میکنند و در این جا و در تمام جزوه ۳۳ صفحه‌ای خود حتی بکلمه هم به خلت سرمایه داری مناسبات تولیدی ایران اشاره نکرده است. برعکس او بر نفس مذهب تکیه میکند تا نفس سرمایه را پنهان سازد.

ادامه دهیم: آقای رجوی درناهمد موضوع خود را تریسرمکان ویژه اسلام، تاریخ و نیز روح و در وجهها رسال اخیر را عاقد میگیرد. ما با این امر موافقم. تا آنجا که بعضیها رسال اخیر تریسرمیگردد

موسس‌ترین نوده‌ها فرصت آنرا با افتادگی معنای حقیقی مذهب را در ما بقدریها رسال سرسریست ۴ سال سلسله ۴ رتعا عبرتین اندیشه‌ها - افکار و گاه حتی در همان هزار و چهل و پنجاه سال پیش نیز از تاجا... بوده اند. چهار رسال است: فرهنگ و هنر و مذمت چهار رسال لیا ز، علیه علم و دانش بشری و چهار رسال تجلی آمیزترین بر خود دنیا زان چهار رسال سنگ ملهوس علیه مذهب دیگر و چهار رسال سرکوب خلق کرده چهار رسال گفتار چهار رسال استنما روحها نه کارگران پشیمان نه شغرت بحق کارگران و زحمتکشان از دولت مذهبی است. در طول این چهار رسال اسلام نشان داد که چه طریقت با این نایب‌هیری برای تقدیس‌ها زترین وارنجامی ترین گرامیهای سرمایه داری منط و محضردارد. تاریخ ایران نیز درها نقد موبدنتسرات آقای رجوی است که چهار رسال اخیر. تا آنجا که به طبقات استنما رگرم میگردد در طول تاریخ ایران مذهب و سلسله مراتب مذهبی همیشه امزاری بوده است در کتار سنگه سلطنت سمرقانه تصوف و روضه‌های و جسته‌نی امروز و انواع خود آزاریهای مذهبی، ملاتح الجان و صیقله\* ساطیه چیزی است همچون گنبدوز نجیره تا زبان

و دار. و تا آنجا که به عنصهای توده‌ای رسال ایندولوزی مذهبی مربوط میشود که رتاسهای استراسر شکت. چرا که سنگ خضر تنها اندگامی مینوا ندبه به روزی برسدن شوروی انقلابی راهنمای آن با عدول اسلام نه شوروی انقلاب بلکه ایندولوزی نمکین و تسلیم است. در ایران همان نفسرا رجهان عنصهای توده‌ای (شجلیه سازات ۵۲۵۷) تا آنجا که مذهبی بوده اند. انقلابی نموده اند.

علاوه کنیم: مذهب در طول تاریخ و در تمام حوام عربیه ای فردست طبقات داراست و کارکردی جز سبب کردن ذهن تبهیستان و دور کردن آنان از منافع طبقات تبهان، ایها دتفرقه برسان آنان و ترا خواندنشان به تسلیم و تمکین در برابر استنما رگران ندارد. با توجه به این دلایل ما کمونیستها بمنظور طبع این سلاح از سرمایه داران، در سرمایه عدافل خود خواستار جدایی مذهب از دولت عده‌ایم. تخلق این مطالبه.

بک - به کارگران امکان خواهد داد مستقل از علقه‌ها و تمیمات مذهبی بر حوال منافع طبقاتی خود و سیمما متشکل شوند.

دو - در کسوری که صرف عدم اعتقاد نیست مذهب سجات مرگ دارد تا چه رسد به تبلیغ آنه خرابیت مساوی برای بک سارزه حقیقتاً اینست. لوزیک فراهم خواهد آورد. تمام ایندولوزیها عا از امتیازات و نیز محدودیت‌های دولتی بر نسقابل قرار خواهند گرفت و توده‌ها امکان خواهد یافت تا قدرت علمی، انعام و حاصلت طبقاتی هرا ایندولوزی را وسیعاً و عمیقاً در ما ببند. سه - به سلسله مراتب مذهبی معسوان سلسله مراتب لغت و لیس با بان خواهد داد و در عین حال \* مطبع‌ترین بندگان عدا \* خواهد شد





به سئله اول - قدر تاریخی - بورژوازی -  
 بورژوازی در یک مقطع تاریخی معین آگاه  
 که طبقه‌ای پیشرو بوده، برای منافع و دفاع از  
 منافع طبقه‌ای خود و برای و الهام مناسبات  
 فتوای ملی‌گرایانه و تلاش ساختن رویای سیاسی  
 وایدنرولوزیک آن - استعدا دوستگاه مذهبی -  
 گردید - دولت خیر مذهبی - بیدک بورژوازی جوان  
 اروپا در برابر "حکومت مقدس" فتوای ملی بود  
 اما آنگاه که خودبه طبقه‌ای مسلط تبدیل شد و  
 آنگاه که ملی پیشرو تاریخی خود را از دست داد  
 منافع استعدا دو مذهب - گرچه مذهبی - اصلاح  
 عده - گردید - حدود یک قرن از آغاز انحطاط  
 سرمایه‌داری میگذرد و اکنون بورژوازی در برابر  
 جهان حافظ ارتقای ترین و منطقی ترین نهادها  
 منجمده خرافه‌های مذهبی است - واقعیت این است  
 مسائل است که تنها پرولتاریا میسر را برسی  
 بشریت و منافع میگرد و همه مسائل دیگر است  
 آن رسالت تاریخی را که زمانی بر عهد بورژوازی  
 جوان بوده - اینک فقط پرولتاریا میسر  
 بورژوازی در این دوران نه تنها دورا - تحقق  
 مطالبات دموکراتیک نمی‌کند بلکه در مقابل آن  
 می‌ایستد - اگر زمانی دموکراسی ما من تحقق و  
 تحکیم منافع بورژوازی بود اکنون دموکراسی  
 فراهم آورنده - "اللوب ترین شرایط برای مبارزه  
 علیه بورژوازی است - به این دلیل است که  
 پرولتاریا میسر است - اما در برابر دموکراسی  
 است و بورژوازی - هر قدر آن - از دموکراسی  
 می‌هراسد -

توانست تا به کمک حدفاصل پيروان خود با نفوذ  
 اجدادشان رهاست بکنند - درون از طام غالی  
 دارند و تور معرفت بینند -  
 وقتی هیچک از مذاهب و سمون مذهب  
 رسمی کشور شناخته نشوند -  
 چهار - تمام مذاهب برابر خواهند شد -  
 و تبعیض و تفرقه بر حسب مذهب میان پیروان  
 مذاهب گوناگون پایان خواهد یافت -  
 پنج - منع آموزش اخباری خرافه‌های  
 مذهبی فرستاری - راه آموزش آخرین سنا ورد -  
 های علمی و فرهنگی را بر همگان خواهد گذرد -  
 ما خواست - جدایی مذهب از دولت - را در  
 برنامه‌ای گنجانده‌ایم که هدف‌های پیروان  
 سوسیالیسم اعلام کرده‌است و به این ترتیب  
 آقای رجوی را به افتخار کشف تفاوتی در این  
 برنامه نائل ساخته‌ایم -  
 "رفقای عزیز! بعد از این همه ساله ما چرا  
 شکله آنها را در میاوردید؟ چرا از یک طرف زبیر  
 اعلامیه‌ها بیان زنده یاد سوسیالیسم می‌نوید  
 و از طرف دیگر شما در دوران اول و عصر سرمایه‌داری  
 (جفايي مذهب از سياست) را نه بر نهما نجا  
 تکرار می‌کنید؟ عیبا!!"  
 اما ما هیچ تمجیبی از این کوتاه فکری  
 منتقدمان می‌گوئیم؛ وجود "شماره دوران اول رشد  
 سرمایه‌داری در برنامه حزب کمونیست نشان  
 فقر تاریخی می‌دهد و - کشف آن بعنوان یک  
 تفاوتی نشان فقر فکری آنان است -

\* - برای منافی توجه کنید که امروز تمام جناح‌های بورژوازی مخالف رژیم جمهوری  
 اسلامی از سلطنت ملیان و فتح قاضی‌های ملی و مقامات در کنار رسانه‌های ارتش و مجوز منتهی‌المراد  
 می‌گویند از "حکام واقعی" فرستار "حکام دروغین" بعضی دفاع می‌کنند از "آخوند‌های دزد  
 و کلاه‌پردار" مزد - رومانیست مشریم - شکایت می‌کنند و غیره و غیره -



بر آشنایی مجاهدین از پیش کشیدن این سلاطین، مکرراتیک (و تمام سلاطین مکرراتیک) از جانب ما بماندگرفتناریهی طبقه ای است که خود را انقلابی می نامد اما ناقصترگونگی ترفندی در پیشبرد و تحقق یافتن بهترین اهداف و تماماً انقلابی و واقعاً مکرراتیک است.

اما مسئله دوم - فقر فکری.

اگر مجاهدین بجای نوشتن - مقدمه بر مارکسیسم - آثار مارکسیستی رایا و حدان بحثی بر و فو و لاجرمال میخوانندند آنگاه در میمانند که از نظر کمیونیتها پیگیری نه ترین مبارزه در راه مکرراتیک تنها هیچ تراضی با مبارزه در راه سوسیالیسم ندارد بلکه مکرراتیک تحت پیروی پرولتاریا بسوی سوسیالیسم است - در میمانند که این اصل - آموزه - آموزگاران بسزرگ میمانند - مارکس، انگلس و لنین - به تمام کارگران جهان است - از مانیفست کمیونیت تا برنامۀ معروف و تا برنامۀ "حزب پهلوی و سلاطین" است مکرراتیک نمیتوان برنامۀ حداقل جزئیات سوسیالیسم برنامۀ پرولتاریا - سوسیالیست بوده است -

"کشف" تناقض بین برنامۀ حداقلی و حداکثری پرولتاریا آنگاه و نشان فقر فکری طبقه ای است که هیچ استواری بر مواضع ایندولوزیک خود ندارد از پیشبردیک مبارزه "حقیقتاً شوریک" ناتوان است و حتی از مطالعه و درک مواضع مخالفین خود عراس دارد.

ما تا اینجا سراسر این امر را بگذردیم که سوسیالیسم مذهب از دولت (و نه سیاست) یکی از مفاد برنامۀ "حداقل" است و این در همین حال بدان حد است که موضع کمیونیتها نسبت به مذهب - به این مذهب محدود نمی شود - مارکسیسم - ما نیز سوسیالیسم است و از اینرو مخالف خرافات مذهبی است - کمیونیتها معتقدند: "مذهب

افزون بوده است و نمی توانند نسبت به عیون این افیون بی اعتنا باشند - مبارزه علیه خرافات مذهبی مبتنا به شکل معینی از مبارزه شوریک، یک عرصه از مبارزه طبقاتی است - به اینجا که میرسیم جا روحنا حال پیدا میشود.

"عنا میخوانید هر آنچه از اسلام و سلطنتی است، بکنید - بسوزانید و زمین میرید" اما همین فقری آقای روحی بجهوده است - این مطلق کسی است که از مبارزه "مابقتی" هیچ تموری جز دست بردن به چماق ندارد - تا کتیک سلطنت به انتقاد و انتقاد از خود سلطنته مبارزه اقتصادی سلطنته و البته مبارزه ایندولوزیک سلطنته - که این آخری عبودیت "مرشد" اسلامی در مقابل با "کنفرانس" است و به اندازه خود اسلام قدمت دارد - این مطلق کس است که یک ایندولوزی معین را "روح یک ملت" و هر ایندولوزی دیگر را "ملد" عده ای "مخترع" میدانند - و کتین بسوزاندن نواز بین بردن با ذاهن اسلامی "مخترعین" است - اما کمیونیتها مطلق دیگری دارند - مارکسیسم - ما نیز سوسیالیسم است - این جهان یعنی

که علل پیدا می شود و محتوای طبقاتی خرافاتهای مذهبی را آقای میسازد عبودیت شرط بود علمی با آن و اینهم می آموزد - ما بیشتر گفتیم که از نظر کمیونیتها علت وجودی خرافاتهای مذهبی در شرایط کنونی است - استعمار سرمایه داری است - ما این اعتقاد را طبع ترین مبارزه بر علیه عبودیت این خرافات مبارزه علیه استعمار کارستودی است - اما یک مبارزه "پرویز سندسرای" استودی نظام سرمایه داری مستلزم آگاهی و بیشتر بین بوده است - نبوده هایی که به خرافات گوناگونی از جمله خرافات مذهبی باور دارند - ما بس ترتیب عبودیت - سرچورد کمیونیتها با مذهب چیزی



جز به بشر دیک میارزه ایدنولوژیك جدی و بیگبرانه نیست - ما این خرافات را محصولات ذهنی جسد انسان " فاسد " میدانیم ما به نفس مذہب و دامنه و علت نفوذ آن در میان مردم آگاهیم و آنرا به مثابه جمله جزئی از خنجر سرمایه داران سر تهیستان میدانیم . آلترا تئو ما در مقابل جمله آگاهی و طبقه منور و طبقه نابذر ما تبلیغ و ترویج صریح موانع ما است . شوالی که اکنون در مقابل هر برائتیں کمونیست قرار میگیرند عمارت از ایست که چگونه میتوان میارزه علیه خرافات مذهبی رایج در میان زحمتکشان را میارزه . آنان علیه استثمارگران به پیشبرند؟ رهنمود اساسی مارکس چیست که میارزه علیه خرافات مذهبی میباشد . سنا به تا پس از طبقه اساسی تریختی تکامل میارزه طبقاتی بوده های استثمار رده علیه استثمارگران در نظر گرفته شود .

این موضع کمونیستی اگر برای ناقصه یافان میباشد که در مبارزه علیه خرافات مذهبی از خود اطلاع موانع آتدین . فراتر میروند و ما مفهوم باقی میمانده اما بهرولتا رای آگاه و رهبران عملی کارگران بر اجتنی آنرا درک میکند . مسئله اساسی ایست که مبارزه علیه خرافات مذهبی نیاید به نوع وارونه سیاست سوز و راهی از جانب کمونیستها منتهی شود . یعنی اعتلاقات مذهبی در میان کارگران نباید موجب تفرقه آنسان در مبارزه مشترکشان علیه بورژوازی گردد و اتحاد عملیای کارگران به منظور رسیدن اهداف سیاسی و اقتصادیشان نسیمایست تحت الشعاع اعتقادات مذهبی آنان قرار گیرد .

موضعگیری کارگران کمونیست در قبال مذہب ، اکنون اهمیت عطی فراوانی یافته است . در شرایط کنونی و همراه با شکست یو یو ایسم و کورده نظری و حیونی اپورتونیستی رخسوده سوز و راهی در مبارزه علیه خرافات مذهبی با بدبا یان داده عود . کمونیستها میبایست تمام عقایدشان از جمله سرمنشان در قبال مذہب را با صراحت تبلیغ و ترویج کنند . این تبلیغ و ترویج قبا به بدیه نفرت بی اما خود بخودی زحمتکشان از سلسله مراتب مذهبی و دولت مذهبی تمکین کند . چه این امر موجب مشوب ساختن ذهن کارگران در نقد کلیت نظام کنونی شود .

کمونیستها در برابر نقد بورژوازی رژیم حاضر دولت آغوندها - با نقد بهرولتا رها می آرترا رهند . آنان با بدبا نشان دادن مکان مذہب در نظام سرمایه داری ، ما قترین عناصر مبارزه علیه جهل و خرافات رایج مبارزه علیه بنیاد آن در میخوانند .

آنان با بدنفرت کارگران از سلسله مراتب مذهبی و گرایش خود بخودشان به سمت رهایی از مذہب را با آموزش ماتریالیسم دیالکتیک متسا حد جهان یعنی طبقه نشان ارتقا دهند . آنان نیاید مبارزه علیه خرافات مذهبی رایج اسلام محدود کنند و به این ترتیب به مذہب اقلیت تمکین کنند .

چهار سال حکومت مذهبی سرمایه داران ، نفس وسیعترین بوده های کارگرو زحمتکش را غم زده است . برای افسانیدن بنبر آگاهی طبقه اساسی به پیش!

د . پرتو

زنده باد انترناسیونالیسم پروتری!





## ادامه پیام به کارگران ...

شما بیکیم که فطرتاً و تاجی همصحریمان و فقیران همه قربانیان حکومت تنگین و شمعین سرمایه داران در ایرانید ...

در سالی که گذشت دشمنان ما مشقات باز هم بیشتری را به ما تحمیل کردند و ضربات باز هم بیشتری را به صفوف ما وارد آوردند. در طی سال گذشته رژیم اسلامی سرمایه توانست طیفی مقاومت های بی درستی کارگران ما را به عقب نشینی هائی وارد کرد و تقویت سرمایه داران و استثمارگران را بر علیه ما بهبود بخشد. ما امید داریم در حالی سرگزار بیکیم که فقر و گرسنگی و محنت دامن انسان برآورته و نشاروخفگان، بیش از هر زمان دیگر بر سرمان حاکم شده است. روز بعد اسامیل جای بسیاری از برادران و خواهرانمان که در سیاهچالهای حکومت اسلامی به بند اسارت کشیده شده اند و جای بسیاری از برادران مبارزان که بدست دشمنان این حکومت جنایتکاران تیرباران و کشته شده اند در میانمان خالی است.

اما هیچ اندازه محسه و غم سفرزندان و درد و رنج و رازهای درسی آورد. ما کارگران هرگز از زندگی نصیب نداشتیم و همواره برای آینده زندگی کردیم و امروز هم اگر زندگی ما به بخاطر امید به آینده است. امید ما اینست که در آن جهانی دیگر ساخته باشیم. اگر هنوز زندگی ما از آن روست که میخواهیم دنیا را زیرورو کنیم. ما میخواهیم بشریت را از این تنگ و ذلت خلاص کنیم. میخواهیم تخم رنج و مصیبت را در جهان بکشانیم. بانیان ظلم و جور را بیدار بکنیم. ما آنزمان که نوید شد باشیم مرد ما به آن وقت که به زندگی غمت ما امروز مان رضایت داده باشیم دست از شرافت انسانی خود شستاریم. بجز زندگی ما مانیم و بر امیدیم جنگیم.

اسال میثا هسکی ما با جسارت بیشتری از امید به بهروزی سخن خواهیم گفت. مزدوران سرمایه که چون گرگ به پاره کردن مردم مشغول بود و مانند اکنون بجان یکدیگر افتادند و این در حالی است که همه به ماهیت کثیف و ضد بشری حکومت اسلامی پی بردند. و دقیق القلب ترین مردم هم دیگر نرفتند فقط امید سرنگونی حکومت بلکه آزادی آنرا دادند که بدست خود جانیانی چون لا چوردی و کیلاسی و تریزی را سدا در پیادیند و تیرباران کنند. رسوائی حکومت خمینی بعدی است که دیگر شیخ تحقیق و مغز بلو از خرافات جوانان سنجی هم کارگرنیت و حالا دیگر مجبور است آنان را با وعده بورسهای تحصیل و خارج کشوری به جنگ و جبهه فرستد آنها هم به جبهه جنگی که هر دم رژیم را در مباحثات و روشنگری و نفرت و انزجار عمومی لغو تر میسود.

حرفات اعتراضی اقشار مختلف مردم در گوشه کار کشور به سبانهای مختلف آغاز شده است و امید واریم که بتدریج همه اینک وسیع ترین اقشار کارگران بار دیگر از بدنهها انتظار و سکوت در مقابل رژیم به میدان آمدند تا از تصویب قانون کار اسلامی که آشنا به همه حقوق کارگران را باهمال میکند جلوگیری کنند و جالب اینکه تنها ساج کوچکی از طوایف کارگران باعث هراس و وحشت دشمن و عقب نشینی گروهی از آنها

**زنده باد بلشویسم!**



خدمات

در کردستان بخیریه‌سیمی از منطقه «طبریز» لشکرکشی های مکرر دولت به بدین مبارزات قهرمانانه و محنتی نا پذیر پیشروگان و مردم زحمتکش بستند و مکرر از سلطه شوم رژیم اسلامی آزاد است - در کردستان آزاد و انقلابی زحمتکشان میروند تا به رهبری کمیونیتها حاکمیت شورایی خود را برقرار سازند و بالاخره کمیونیتها برتن چنین قدرت و نفوذ بی سابقه ای کام های آخرین راه با استقامت تمام بر میآیند تا به آزادی و برپایی طبقه کارگر ایران یعنی حزب کمیونیت ایران تحقق بخشند - امروز تصویر قدرت کارگران بخیریه از هشتاد و هشت زد دولت سرمایه داران همدست و این چیزی است که باید در چهره های پرا امید و همبستگی بد گمان و زحمتکشان ایران نیز پیدا باشد -

رفقای کارگر!

ما از همه شما میخواهیم که در سال جدید پیشروان و همبستگی کارگران باشید - اتحاد و همبستگی ما در پیروزی است - از همین اولین روزهای سال جدید پیشروان در این راه قدم بردارید - دید و بازدید های همدردی را بپذیرید - اسراغ و رفقای مبارز خود بروید و همراه آنها پیراع هفتان بردگانی که میباشند - در خانه های حفره ها آنها اسامال باید نورگامی طبقاتی بد رخشد و نام حزب و نماد پیروزی ملین بیاندازد - در خانه های یکدیگر گرد بیایید - همبستگی کنید و عهد ببندید که هرگز دست یکدیگر را رها نرید - سزوت سازی که در پیش داریم رها نخواهید کرد - در خانه های یکدیگر گرد بیایید و همراه هم بگردید که هم گرد ماییم که اسامال سال پیروزی حزب ما یعنی سال قیام و جشن محرومان و شهیدستان ورنجبران ایران باشد -

کمیته مرکزی اتحاد مبارزان کمیونیت - ۲۹ اسفند ۱۳۶۱

ادامه - صفحه ۲۵

۶ در حالیکه بران اقتصادی ابعصاب  
 ما نما نوز جدیدی بخود میگرد و تا زمانیکه قدرت  
 و انزجار عمومی نسبت به رژیم اسلامی و فتنهای  
 ارباب و سرکوب همه جانبه رژیم به اوج خود  
 رسیده است و مبارزه وسیع طبقه کارگر علیه  
 قانون کار اسلامی این طرفت را فادوس میماند که  
 تحت رهبری کمیونیت ما در ادامه خود را حالت  
 دفاعی کنونی فراتر رفته زمینهای یک جنبش  
 کارگری انقلابی خود که قادر باشد خودهای وسیع  
 قدر و ولت را به زیر پرچم دمکراسی انقلابی  
 گرد آورد و در رأس مبارزه برای سرنگونی سرور

مجبور به مراسم افتاد است، و تا نهار رژیم که  
 تمامی طبقه را در مخالفت با قانون کار اسلامی  
 میهند و دولت را برای اعمال شهوه معمول  
 خود یعنی سرکوب خونین و بیدردنگ مناسب نمیداند  
 از این رژیم تلاش دارد تا در این مرحله با فعل  
 کردن ارگانها و ابادی خویش در میان کارگران  
 (از جنبشها و گروههای اسلامی گرفته تا حردوران  
 فوده ای و اکثریتی) مانع سوم گیری آشکارا شد  
 و سعی طبقه کارگر شده، مبارزه عملی را در چهار  
 چوب معروفیت رژیم مبارزه به انحراف و تفرقه  
 بگماند -





بگردد.

بنابر این وظیفه کمونیست‌ها در مبارزه علیه قانون کار اسلامی عبارتست از جلوگیری از تثبیت هر نوع قانون کار اسلامی و تثبیت ممالکات اقتصادی کارگری بخش حداقل برنامسه حزب کمونیست به خواست عملی بخش هر چه وسیعتری از توده‌های کارگر.

به این منظور وظایف زیر می‌باید در دستور کار نمای فعالین و کارگران کمونیست قرار گیرد:

۱- طرح و تبلیغ وسیع ممالکات اقتصادی کارگری برنامه حداقلی حزب کمونیست، همراه با بندهای مربوط به همه آزادی بیان، تجمع و اعتصاب و جرایم آنها، تلافی در جهت تبدیل این ممالکات - خصوصاً بندهای ۴۰ - ساعت کار در هفته، افزایش دستمزدها متناسب تورم، بیمه بیکاری، ملائمت جمیع عمومی در امر اجرائی آزادی زندان سیاسی، آزادی اعتصاب به خواست توده‌های هر چه وسیعتر طبقه در برابر قانون کار اسلامی.

۲- آموزش کارگران با روحیه تشکیلات پذیری و مبارزه، خودساز و تثبیت رأی گیری و تمویب قلمنا به در پایان مجامع عمومی کارگری.

۳- تبلیغ و تثبیت این که نمایندگان کارگران فزهرگونه مذاکره با نفست با مقامات رژیم، اولاً: می‌باید برینجا و در چهارچوب قدامتاً معامی مبوب آنتخاب کنندگان خوبتر عمل نمایند و قانیا بسجرا راه اکثریت انتخاب کنندگان قابل عزل باشند.

۴- تشویق اخبار مربوط به این مبارزه و انتقال شیوه‌های مبارزه و خواستهای عالیکتر بعضی از کارگران به بخشهای هر چه وسیعتر سازمان دادن امر خبررسانی.

۵- افشا - و طرد عوامل و ارگانهای رژیم، ایور تونیتها و رو برهونیتها که می‌کوشند مبارزه فعلی را در چهارچوب قانون اساسی رژیم و «مشورعت ولایت فقیه» و چیزهایی از این قبیل، به سازش در نقطه یک قانون کار اسلامی امیلاج خده بکنانند.

۶- آگاه کردن کارگران و رهبران عملی مبارزه به ضرورت ایجاد ملزومات ادامه کاری و تداوم این مبارزه با در نظر گرفتن احتمال تعرض سرکوبگرانه رژیم.

کمیته مرکزی اتحاد مبارزان کمونیست  
۱۲۱۱ سنه ۱۳۱۱

تشکیل مجمع عمومی در فایرینکها باید بدین سنت کارگری تبدیلی شود.

پیروزی انقلاب در گرو مبارزه متحد و متشکل کارگران است.



## قطعنامه درباره: وظایف گمونیستها در مبارزه علیه قانون کار اسلامی

۱. مطالبات اقتصادی طبقه کارگران و زویر سرمایه داری جمهوری اسلامی، از جانب حتی مذهبهای از کارگران به نحو موثر و همه گیری طرح و بیان نغده است. علاوه بر فقدان دعا رهای مریح و دعوات های روشن علیه کارگران و زویر سرمایه داری، قانون کار اسلامی مقبول است که نه تنها از بهر رهبری انقلابی واحد بلکه از دو دولتدانی تهران تشکیلهای توده ای نیز محروم است.

۲. رژیم جمهوری اسلامی با طرح قانون کار اسلامی مستقیماً تعرض مجددی علیه طبقه کارگران آغاز نموده و میخواهد فلاکت تعمیل شده به طبقه کارگران را رسمیت قانونی بخشد و سطح معیشت کارگران را با زخم تفسزل داده و شرایط استثمار وحشیانه نیروی کار را برای سرمایه تأمین کند.

۳. از آنجا که قانون کار اسلامی با اسیب ابتدا می ترین حقوق اقتصادی طبقه کارگران و زویر سرمایه داری را از بین میبرد و از آوارگی تعدادی معانی جزئی و رگرستی و آوارگی تعدادی معانی از کیفیت و رسمیت بافتن آن خود اهمیت بسیار زیادی برای طبقه کارگران دارد. همچنین بنیادهای سرمایه داری خود را بر مبارزه زمین بسیار مساعدی برای تحکیم روحیه همبستگی طبقه کارگران و از آگاهی طبقه کارگران و تشکیل پذیرگی کب اعتماد به نفس و ایمان به نیروی طبقه میباید.

۴. طبقه کارگران در برابر رژیم سرمایه داری دفاع برخاسته و مبارزه علیه قانون کار اسلامی را آغاز کرده است. خصوصیت اصلی این مبارزه سرمایه داری بودن آن است. از آنجا که قانون کار اسلامی مستقیماً علیه مملو ترین وجه تهدید علیه زندگی هر خانواده کارگری است، مبارزه علیه آن تمامی طبقه کارگران را حتی عقب افتاده ترین مذهبها و اقشار آن را دربر گرفته است.

۵. نقاط ضعف این مبارزه در مرحله کنونی عبارتند از محدود بودن به مبارزه علیه تصویب پیش نویس فعلی قانون کار اسلامی، فقدان دعا رهای مریح و دعوات های روشن و فقدان تشکیل کارگران تاکنون به نحو قاطعی در برابر مذهب نویس قانون کار اسلامی، موضع گرفته و نشستن داده ندکه به پیچیده آثار و اهداف پذیرفت ما ما قانون کار مطلوب کارگران - ما دستکم رئیس اعلی آن - معنایه هر چه مبارزه علیه کارگران علیه هر نوع قانون کار اسلامی و مذهبها

۵. واکنش رژیم در برابر مقاومت کارگران و مذهب گیری های متعین سران رژیم نیست به پیش نویس قانون کار اسلامی، به اندک این واقعیت است که اولاً رژیم از طرفت های بالقوه این جنبش سرمایه داری و تبدیل آن به یک جنبش عمومی که کلیت رژیم را به زیرسیر طبقه در صفحه ۲۶

# کارگران جهان متحد شوید!